

نقد و بررسی ترجمه مسند معرفه در قرآن کریم (با تکیه بر اسماء حسنی معرفه به «ال» جنس)

کبری خسروی^{*۱}

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه لرستان، لرستان، ایران

پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۴

دریافت: ۱۴۰۰/۶/۳۱

چکیده

مسند معرفه یکی از بسترهای ایجاد قصر در زبان عربی است. این روش در قرآن کریم در آیات بسیاری برای بیان مفهوم قصر به کار رفته است. یکی از مصداق‌های مسند معرفه در قرآن عباراتی هستند که در آن‌ها اسماء حسنی به عنوان خبر معرفه به «ال» جنس و غالباً در انتهای آیات آمده و در برخی آیات نیز با ادات تأکید و ضمیر فصل هم‌نشین شده‌اند. پژوهش حاضر به روش تحلیل محتوای کیفی و کمی و با استقراء نام، ترجمه این عبارات را در ۵۰ ترجمه قرآن بررسی نموده و به مهم‌ترین اشکالات مترجمان در برگردان مفهوم قصر مستفاد از خبر معرفه به «ال» جنس پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که مهم‌ترین اشکالات مترجمان عبارتند از: برابرنگاری خبر معرفه و نکره، ترجمه اسماء حسنی معرفه به صورت نکره، عدم دقت به بیش از یک مسند معرفه در یک آیه، عدم توجه به ترجمه چند قصر به شیوه‌های گوناگون در یک آیه، عدم تمایل به داشتن رویه یکسان در ساختارهای مشابه، عدم دقت در ساخت نحوی زبان مبدأ، تردید در وجود قصر در ساختار آیه، عدم ارائه برابرنهادهای معمول، گرایش به ترجمه تحت‌اللفظی در ساختارهای دارای بیش از یک قصر و تأکید، غفلت از هم‌نشینی اسماء حسنی معرفه با سایر ادات تأکید. همچنین بیشترین میزان دقت در آیات پیش‌فرض مقاله در ترجمه «مرکز فرهنگ و معارف قرآن»، «صفا زاده» و «بلاغی» ملاحظه شد. علاوه بر این تفاوت معناداری میان ترجمه‌های کهن و معاصر و نیز میان سبک‌های مختلف ترجمه قرآن در بازتاب یا عدم بازتاب مفهوم قصر ملاحظه نگردید.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، اسماء حسنی، مسند معرفه، قصر، نقد ترجمه

Email: Khosravi.k@lu.ac.ir

*نویسنده مسئول مقاله:

۱- مقدمه

در ترجمه قرآن به علت حساسیت و اهمیت والای قرآن و دقیق بودن زبانش، نباید فقط برگردان واژگان مورد توجه قرار گیرد. توجه به ظرافت‌های بلاغی از جمله مسائل مهمی است که باید مترجم قرآن بدان اهتمام ورزد. در قرآن، آیات بسیاری با روش‌های مختلف قصر ذکر شده‌اند. از جمله این روش‌ها، تعریف مسند به «ال» جنس است که در موضوع‌های مختلف نمود پیدا کرده‌است و طبیعتاً باید در ترجمه منعکس شود تا خواننده فارس‌زبان مفهومی دقیق‌تر از آیه را دریابد. یکی از بسترهای شکل‌گیری مسند معرفه، اسماء‌حسنی الهی به‌خصوص در عبارت‌های پایانی آیات قرآن کریم است که به شکل‌های زیر نمود پیدا کرده‌اند:

(۱) به شکل نکره در قالب‌های زیر:

- بدون هرگونه ادات تأکید، مانند: ﴿وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (مائده/ ۳۸)

- همراه با *إِنَّ* / *أَنَّ*، مانند: ﴿إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (انفال/ ۱۰)

- همراه با *إِنَّ* و لام تأکید، مانند: ﴿وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ﴾ (حج/ ۵۹)

- همراه با *كَانَ*، مانند: ﴿وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزاً حَكِيماً﴾ (فتح/ ۷)

- همراه با *إِنَّ* و *كَانَ*: ﴿إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزاً حَكِيماً﴾ (نساء/ ۵۶)

(۲) به شکل معرفه به «ال» جنس در قالب‌های زیر:

- بدون هرگونه ادات تأکید، مانند: ﴿وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (حشر/ ۱)

- همراه با ضمیر فصل، مانند: ﴿وَاللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ (مائده/ ۷۶)

- همراه با *إِنَّ* / *أَنَّ* و ضمیر فصل، مانند: ﴿إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (عنکبوت/ ۲۶)

- همراه با *إِنَّ*، لام تأکید و ضمیر فصل، مانند: ﴿وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (آل‌عمران/ ۶۲)

(۳) به شکل معرفه به اضافه، مانند: ﴿إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ﴾ (آل‌عمران/ ۳۸)

در ترجمه‌های کهن و معاصر قرآن، برخی مترجمان به تفاوت آیاتی مانند آیات فوق توجه کافی نداشته و نتوانسته‌اند ترجمه درستی از آیات مشتمل بر مسند معرفه که مفید معنای قصر است (دسته دوم)، ارائه دهند.

از این رو مقاله حاضر درصدد است به بررسی ترجمه آیاتی بپردازد که در آنها اسماء حسنی به صورت معرفه به «ال» جنس به کار رفته و مفهوم قصر در آنها جریان دارد و از رهگذر آن به میزان توجه و دقت مترجمان در ترجمه آیات مذکور و اشکالات آنها بپردازد؛ چرا که نقد و بررسی ترجمه‌های قرآن علاوه بر ذکر لغزشگاه‌های احتمالی مترجمان و جلوگیری از تکرار آنها، باعث هم‌افزایی و تلاش برای بهبود امر ترجمه قرآن خواهد شد به گونه‌ای که خود مترجمان با مطالعه و بررسی نقدهای مختلف از ترجمه خویش می‌توانند بهترین ویراستاران آن ترجمه‌ها باشند. این مسأله آن زمان مهمتر می‌نماید که بدانیم برخی از ترجمه‌های قرآن مانند ترجمه‌های مکارم‌شیرازی و بهرام‌پور بارها از سوی مترجمان ویرایش شده و برخی اشکالات آنها برطرف شده‌است. از این رو نقد و بررسی ترجمه‌ها به خصوص ترجمه‌های معاصر از نیازهای ضروری در حوزه ترجمه قرآن به‌شمار می‌رود.

سؤالاتی که این پژوهش درصدد پاسخگویی به آنهاست، عبارتند از:

- ۱- مهم‌ترین اشکالات و لغزشگاه‌های مترجمان در ترجمه قصر مستفاد از مسند معرفه (عبارات مشتمل بر اسماء حسنی معرفه به «ال» جنس) کدامند؟
 - ۲- کدامیک از مترجمان در ترجمه این قسم آیات موفق‌تر عمل کرده‌اند؟
 - ۳- چه مدل‌هایی برای ترجمه آیات دسته دوم می‌توان ارائه نمود که ضمن رعایت قواعد دستور زبان فارسی به مفهوم قصر و تأکید در آیات اشاره داشته باشند؟
- این پژوهش به صورت تحلیل محتوای کیفی و کمی و با استقراء تام تمامی مثال‌های مربوط به موضوع، با استفاده از ترجمه‌های فارسی موجود در نرم‌افزار جامع‌التفاسیر نور، نسخه ۳ (به جز ترجمه کاشف، ترجمه المیزان، ترجمه بیان السعادة و ترجمه جوامع الجامع) صورت گرفته و ترجمه‌های بهاء‌الدین خرمشاهی، کریم زمانی، طاهره صفارزاده، ابوالفضل بهرام‌پور، محسن قرائتی، غلامعلی حدادعادل و سیدجلال‌الدین مجتوبی نیز به آنها اضافه شده که مجموعاً ۵۰ ترجمه فارسی از آیات دسته دوم به شرح جدول شماره (۱)، جامعه آماری پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند:

جدول شماره (۱): جامعه آماری پژوهش

نوع عبارت	مسند معرفه	ضمیر فصل + مسند معرفه	حروف مشبّهة بالفعل + لام تأکید + ضمیر فصل + مسند معرفه	حروف مشبّهة بالفعل + ضمیر فصل + مسند معرفه
تعداد	۷۳	۳	۴۴	۱۰

نکته قابل ذکر آنکه در این پژوهش، شیوه ترجمه مفهوم قصر مدنظر بوده، از این رو به شیوه ترجمه اسماء حسنی پرداخته نشده است. برای اینکه معیار و ملاک بررسی آیات مشخص باشد پیش از بررسی اشکالات، اشاره‌ای به شیوه‌های قصر و تأکید در زبان عربی و فارسی شده است. از آنجا که شیوه‌های زیادی برای تأکید در زبان عربی و فارسی وجود دارد فقط به مواردی پرداخته شده که در آیات مورد بحث پژوهش مصداق دارند. علاوه بر این، مدل‌هایی برای ترجمه آیات در شکل‌های چهارگانه مسند معرفه نیز ارائه شده تا نقد و بررسی ترجمه‌ها با دقت بیشتر و بهتری صورت بگیرد.

در این پژوهش تمامی آیاتی که در آن‌ها اسماء حسنی معرفه به «ال» جنس در موقعیت خبر به کار رفته^۱ به همراه ترجمه آن‌ها با دقت بسیار بالا، استخراج و در چهار دسته - به شرح جدول شماره (۱) - قرار گرفتند. تمامی مواردی که مترجمان به موضوع توجه داشته و مفهوم قصر را در ترجمه رعایت کرده بودند، یادداشت گردید و سپس اشکالات ترجمه‌ها با ذکر مثال‌هایی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

شایان ذکر است که با توجه به تعداد زیاد آیات و مترجمان سعی شده که از بهترین و گویاترین شاهد مثال‌ها در هر موضوع استفاده شود. در این راستا به تنوع آیات و ترجمه‌ها نیز توجه شده است. برای جلوگیری از تکرار مکرر عبارت "مسند معرفه به «ال» جنس" در مقاله، در بسیاری از موارد به اختصار از "مسند معرفه" به جای آن استفاده شده است.

۱-۱- پیشینه پژوهش

تاکنون درخصوص نقد ترجمه‌های قرآن کریم پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته است که از میان آن‌ها تنها به مواردی اشاره می‌شود که به موضوع مقاله حاضر نزدیک‌تر هستند:

- ولوی و تیزغم (۱۳۹۱) در مقاله «نقد بلاغی قصر در برخی ترجمه‌های قدیم و جدید قرآن کریم» به بررسی و مقایسه انواع روش‌های قصر به تفکیک در دو ترجمه کهن و شش ترجمه معاصر با ذکر نمونه‌هایی پرداخته‌اند.

- ولوی و تیزغم (۱۳۹۲) در مقاله «دشواری‌های ترجمه قرآن کریم در برخی روش‌های قصر (تعریف مسند و مسندالیه- تقدیم مسندالیه بر مسند فعلی)» پس از بررسی روش‌های قصر، برای دو روشی که در عنوان آمده، نمونه‌هایی ذکر کرده‌اند. برخی از مثال‌های مقاله به مسندالیه معرفه اختصاص یافته است در صورتی که صرف معرفه بودن مسندالیه بیانگر قصر نخواهد بود. مقاله پس از ذکر نمونه‌هایی اندک در برخی موارد، پیشنهاداتی نیز ارائه داده اما به چگونگی اشکالات و ارائه راه‌حل برای آن‌ها نپرداخته و فقط اشاره کرده است که اگر مسند معرفه به همراه ادات تأکید باشد، دشواری‌های ترجمه بیشتر خواهد بود.

در خصوص اسماء حسنی نیز مقالاتی به رشته تحریر درآمده که محور اصلی آن‌ها ترجمه خود اسماء حسنی بوده و به بافت جمله شامل آن‌ها پرداخته نشده است. مقاله حاضر از این جهت رویکردی نو تلقی می‌شود که با استقراء تام و با احصاء دقیق، به بررسی میزان موفقیت عملکرد مترجمان در ۵۰ ترجمه کهن و معاصر پرداخته و درصدد است به لغزشگاه‌های مترجمان در برگردان مفهوم قصر مستفاد از آیات به زبان فارسی بپردازد و با مدد از برابری‌های بلاغت در فارسی و عربی به ارائه مدل‌هایی برای ترجمه در آیات مورد بحث بپردازد.

۲- روش‌های قصر در عربی و فارسی

در کتب لغت معانی مختلفی برای واژه «قصر» ذکر شده است که از میان آن‌ها «حبس نمودن» با معنای اصطلاحی تناسب بیشتری دارد (ر.ک: ابن منظور، بی تا، ج ۵: ۳۶۴۶-۳۶۴۷) و

در مختصرالمعانی فقط بدان اکتفا شده (تفتازانی، ۱۳۸۳: ۱۱۵)؛ زیرا همین معناست که در تبیین معنای اصطلاحی کارآمد است. قصر در اصطلاح علم بلاغت یعنی با استفاده از شیوه‌هایی خاص امری به امری دیگر اختصاص یابد و از دیگری نفی گردد (همان). در این تعریف منظور از شیوه‌ها، همان ادات مخصوص قصر است. در زبان عربی شیوه‌های مختلفی برای بیان مفهوم قصر وجود دارد که برای رعایت اختصار و جلوگیری از تکرار مکررات فقط به مواردی پرداخته می‌شود که در این پژوهش نمود بیشتری دارند. علاوه بر این برابر فارسی روش‌های مطرح شده نیز ذکر می‌گردد.

- **نفی و استثناء:** در این روش مقصود عملیه بعد از ادات قصر (إلا، غیر و...) قرار گرفته و گستره و کاربرد آن نسبت به سایر شیوه‌ها بیشتر است. این روش برای مخاطبی به‌کار می‌رود که نسبت به مضمون حکم یا مردد است یا منکر و این قصر برای زدودن تردید و انکار او به‌کار می‌رود (جرجانی، بی‌تا: ۳۳۲).

مانند ﴿وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾ (نور/ ۵۴).

معادل روش فوق در زبان فارسی استفاده از واژه نفی (نه) و واژگان استثناء مانند «جز»، «به‌جز»، «مگر»، «إلا»، «غیر» (غیر از، به‌غیر) است.

مانند: «بر این رواق زبرجد نوشته‌اند به زر/ که جز نکویی اهل کرم نخواهد ماند» و «دل سرگشته ما غیر ترا ذاکر نیست» (کزازی، ۱۳۸۵: ۱۹۳؛ فرشیدورد، ۱۳۸۲، ج ۲: ۴۰۸).

- **تقدیم ماحقه التأخیر:** در این روش، قصر از فحوای کلام دریافت می‌شود و تشخیص آن از صاحب ذوق سلیم برمی‌آید (سکاکی، ۱۴۰۷: ۴۰۴). باید توجه نمود که هر تقدیمی مفید قصر یا تخصیص نیست؛ بلکه تقدیمی بیانگر قصر است که از روی آگاهی و اختیار صورت گرفته باشد نه در پی اجبار قواعد نحوی. با این وجود علمای بلاغت برای تقدیم نیز روش‌هایی همچون تقدیم مسنداً لیه بر خبر فعلی، تقدیم مسند، تقدیم مفعول به بر عاملش، تقدیم جار و مجرور و... را بیان نموده‌اند (محسنی، ۱۳۹۰).

این شیوه در زبان فارسی با پس و پیش کردن کلمات صورت می‌گیرد: مانند «فریدون منم» (فرشیدورد، ۱۳۸۲، ج ۲: ۴۰۹). شمیسا (۱۳۹۴: ۱۳۲) معتقد است وقتی که مسند جمله را بر مسندآلیه مقدم می‌کنیم جمله بی‌نشان را نشان‌دار کرده‌ایم. جمله «امشب، شب قدر است»، جمله‌ای عادی است؛ اما مصراع زیر نشان‌دار است:

«آن شب قدری که گویند اهل خلوت امشب است» (حافظ).

- **ضمیر فصل:** ضمیری است به شکل مرفوع که میان مبتدای معرفه یا آنچه به منزله مبتداست و خبر معرفه می‌آید. دارای یک فایده لفظی یعنی تمیز و تشخیص خبر از تابع است. دو فایده معنوی نیز برای آن ذکر شده، یکی تأکید و تقویت ماقبلش و دیگری قصر و اختصاص مابعد ضمیر به ماقبلش (سبکی، بی تا، ج ۱: ۲۲۸).

مانند ﴿أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (بقره/ ۵) که هر سه فایده در آن متجلی است.

ضمیر فصل غالباً مفید قصر است؛ ولی چون دلالت آن بر قصر، دلالت وضعی به‌شمار نمی‌رود، از این رو بر ذوق و سلیقه افراد متکی است (محسنی، ۱۳۹۰). در ترجمه این نوع ضمیر می‌توان از الفاظی مانند: "تنها، همان، درحقیقت، حقیقتاً، منحصرأ، درواقع" استفاده نمود (معروف، ۱۳۸۴: ۱۱۳).

- **معرفه آوردن هر دو جزء جمله:** هرگاه مبتدا و خبر هر دو معرفه باشند بنابر نظر جمهور علمای نحو آنکه مقدم است، مبتداست. البته این بحث، جزئیات و تفصیل زیادی دارد که پرداختن به آن‌ها مجال طولانی می‌طلبد (رک: ابن‌هشام، ۱۴۲۵، ج ۲: ۵۲۱-۵۲۴). اگر یکی از طرفین اسناد یعنی مبتدا یا خبر، معرفه به «ال» جنس باشد، این تعریف به‌طور حقیقت یا مبالغه مفید معنای قصر است (جرجانی، بی تا: ۱۷۹؛ فخررازی، ۲۰۰۴: ۸۲).

در این روش، معرفه به «ال» جنس مقصور است خواه مقدم باشد و خواه مؤخر، مانند «زید المنطلق»، «الکریم خالد» که در این مثالها، «المنطلق» و «الکریم» مقصور هستند (عبدالفتاح فیود، ۲۰۱۵: ۲۸۲).

در بحث مسند معرفه در برخی از کتب بلاغت فارسی (در دو بخش احوال مسند و شیوه‌های قصر) مانند کتاب‌های بلاغت عربی از مثال‌های عربی استفاده شده‌است (مازندرانی

در «انوارالبلاغه» و برخی نیز همزمان از مثال‌های عربی و فارسی بهره جست‌ه‌اند (آقاولی در «دُررالأدب»، رجایی در «معالم البلاغه»، طیبیان در «برابره‌های علوم بلاغت در فارسی و عربی» و آهنی در «معانی و بیان») و برخی نیز واژگان فارسی را برای عربی معادل‌سازی کرده‌اند (فرشیدورد در «درباره ادبیات و نقد ادبی»). فرشیدورد در خلال بحث از شیوه‌های قصر در مورد برخی واژگان بیان کرده که برای قصر مسند کاربرد دارند. از این‌رو با توجه به منابع فوق و مثال‌های آن‌ها می‌توان معادل‌های زیر را برای قصر به روش "تعریف مسند" بیان کرد:

- ۱- آوردن «آن» بر سر مسند: آن شب قدری که گویند اهل خلوت امشب است (آقاولی، ۱۳۷۳: ۱۰۸) همچنان‌که گفته‌شد تقدیم مسند (شب قدر) نیز در این جمله افاده قصر می‌کند.
 - ۲- استفاده از الفاظ «منم، تویی، اوست و...»^۲ مانند این بیت از سعدی: «این تویی با من و غوغای رقیبان از پس / وین منم با تو گرفته ره صحرا در پیش» (رجایی، ۱۳۵۳: ۱۰۹).
 - ۳- استفاده از «همین... و بس»، «این... و بس»، «و بس»: این عبارات به معنای «فقط» هستند و بیشتر برای قصر مسند به کار می‌روند، مانند: «به نیکی گرای و میازار کس / ره رستگاری همینست و بس» (مولوی) (فرشیدورد، ۱۳۸۲، ج ۲: ۴۰۸-۴۰۹). «و بس» در بیت «شهنشاه، بهرام گور است و بس / چنو در زمانه ندانیم کس» (طیبیان، ۱۳۹۸: ۱۴۱).
 - ۴- «فقط» و «تنها»: «فقط» خاص فارسی امروز است و با هر کلمه‌ای بیاید آن را مقصور می‌سازد. «فقط» و «تنها» مثل هم هستند منتها «تنها» ادبی‌تر است. این دو هم می‌توانند پیش از مقصور بیایند مانند «فقط فردوسی را دوست دارم» و هم پس از آن مانند «فردوسی را فقط دوست دارم» (فرشیدورد، ۱۳۸۲، ج ۲: ۴۰۸-۴۰۹).
- همانطور که ملاحظه می‌شود در برابریابی مسند معرفه در زبان فارسی شیوه‌های متنوعی استفاده شده که برخی از آن‌ها در سایر روش‌ها نیز کاربرد دارند.

۳- روش‌های تأکید در زبان عربی و فارسی

تأکید در زبان عربی در بخش توابع مطرح و به دو نوع تأکید لفظی و معنوی تقسیم می‌شود؛ اما تأکید دامنه وسیعی دارد و منحصر به این دو نمی‌شود.

با واکاوی کتب نحو و بلاغت موارد متعددی برای تأکید می‌توان یافت که ذکر همه آن‌ها در این مجال نمی‌گنجد. از این رو فقط به بحث تأکید با حروف مشبهة بالفعل «إِنَّ» و «أَنَّ» و «لَا» پرداخته می‌شود که در آیات مورد بحث در مقاله مصداق دارند. در ترجمه ادات تأکید معمولاً از قیدهای تأکید فارسی استفاده می‌شود (طیبیان، ۱۳۸۷: ۱۶۹). قیدهای تأکید در زبان فارسی عبارتند از: "هرآینه، آری، بلکه، به‌راستی، راستی، سخت، نیز، درست، ناچار، همانا، به‌چشم، بی‌گمان، بی‌گفتگو، به‌درستی، به‌درستی که، بی‌چون و چرا" و کلماتی از قبیل "حتماً، البته، بلی (بله)، مسلماً، لابد، جداً، قطعاً، حقاً، لاجرم" قیدهای عربی برای تأکید و ایجاب هستند که وارد زبان فارسی شده‌اند (شریعت، ۱۳۷۶: ۳۰۴).

۴- ارائه مدل‌هایی برای ترجمه در قصر به وسیله تعریف مسند

پس از بررسی روش‌های قصر در زبان عربی و فارسی برای نقد و بررسی دقیق‌تر ترجمه‌های آیات مورد بحث در صورت‌های چهارگانه تجلی مسند معرفه به «ال» جنس، مدل‌هایی به شرح زیر پیشنهاد می‌گردد که به نوعی بیان شاخص‌های ارزیابی نیز تلقی می‌گردند.

۴-۱- مسند معرفه به تنهایی

در ترجمه این نوع مسند می‌توان از کلماتی مانند: «فقط»، «تنها»، «و بس» (در انتهای جمله)، «..است که..»، آوردن ضمیر با فعل رابط «استن» استفاده نمود. شایان ذکر است مترجمانی که ملتزم به انتقال مفهوم قصر بوده‌اند غالباً از این روش‌ها بهره برده‌اند.

مثال: ﴿قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ هُوَ الْغَنِيُّ﴾ (یونس / ۶۸)

مدل‌های پیشنهادی:

*تنها/ فقط او بی‌نیاز است.

*اوست که بی نیاز است.

*او بی نیاز است و بس.

*اوست بی نیاز.

۴-۲- ضمیر فصل + مسند معرفه

در این ساختار، علاوه بر قصر مستفاد از مسند معرفه با ضمیر فصل روبه‌رو هستیم که گاهی برای تأکید است و گاهی برای قصر و گاهی برای هر دو. در این ساختار علاوه بر رعایت مدل‌های شماره ۱، می‌توان به شیوه زیر عمل نمود که برای ضمیر فصل معادل‌های مناسب آن در زبان فارسی را اضافه کرد که مشهورترین و رایج‌ترین آن‌ها عبارتند از: «آن»، «درواقع»، «حقیقتاً»، «همان»، «تنها»، «فقط»، «منحصراً» که بر اساس نوع کلمه‌ای که برای قصر در مسند معرفه استفاده می‌شود می‌توان از بین واژگان معادل ضمیر فصل گزینش نمود. نکته قابل ذکر دیگر اینکه در کتب اعراب قرآن برای مسند دوم دو نقش نحوی ذکر شده است:

۱- خبر دوم

۲- صفت برای اسم اول

با توجه به این دو نقش، در زبان فارسی اگر هر دو را، خبر در نظر بگیریم، مطابق قاعده تعدد مسند باید حرف ربط «واو» آن دو را به هم ربط دهد (شریعت، ۱۳۷۵: ۳۶۸) و اگر دومی را صفت در نظر بگیریم بدون حرف ربط «واو» ذکر می‌شوند که نگارنده از هر دو روش بنا به ساختار جمله استفاده کرده است.

مثال: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾ (فاطر / ۱۵)

مدل‌های پیشنهادی:

*و فقط / تنها خداوند است که بی نیاز و ستوده است.

*و آن بی نیاز ستوده فقط / تنها خداوند است.

*و فقط / تنها خداوند، همان بی نیاز ستوده است.

مدل‌های پیشنهادی:

- * همانا این خداست که بی‌نیاز ستوده است و بس.
- * یقیناً تنها/ فقط خداست که بی‌نیاز ستوده است و بس.
- * یقیناً خدا، همانست که بی‌نیاز ستوده است و بس.
- * یقیناً فقط/ تنها خداست که همان بی‌نیاز و ستوده است.
- * فقط این خداست که درحقیقت بی‌نیاز ستوده است.

۵- نقد و بررسی ترجمه اسماء حسنی معرفه به «ال» جنس در قرآن

الفولام وارد شده بر اسماء حسنی - به جز لفظ جلاله الله - «ال» جنس و برای استغراق صفت است. وقتی خداوند متعال در مورد خویش صفات «العلیم»، «العزیز»، «السلام» و دیگر صفات را به کار می‌برد بدان معناست که او دارای بالاترین حد آن صفت است (سعدی، ۱۴۲۰: ۱۴).

همانطور که پیش‌تر گفته شد اسماء حسنی در شکل معرفه دارای ۴ حالت هستند که در کنار اسماء حسنی معرفه به «ال» جنس، ادات دیگری مانند حروف مشبهة بالفعل، لام تأکید و ضمیر فصل نیز آمده‌اند. حال پس از بررسی ترجمه‌های کهن و معاصر در باب ترجمه اسماء حسنی معرفه و با عنایت به برابری فارسی ادات قصر و تأکید، مهم‌ترین اشکال‌هایی که در ترجمه‌ها وجود داشته، به شرح زیر ذکر می‌گردد.

۵-۱- برابرنگاری خبر و اسماء معرفه و نکره

اسماء حسنی در بیشتر آیات قرآن در عبارات پایانی آیات بیان شده‌اند. برخی از آنها به شکل نکره و برخی دیگر به شکل معرفه. پرواضح است که واژگان در زبان قرآن با دقت بسیار استعمال شده‌اند و شکل نکره و معرفه یک کلمه به هیچ وجه برابر نیستند که باید از سوی مترجمان مورد توجه قرار می‌گرفته‌است. این بحث از دو زاویه قابل بررسی است:

اول: از زاویه وجود معنای قصر در آیات و عدم توجه مترجمان به قصر مستفاد از آیه،
دوم: از زاویه ترجمه اسماء حسنی معرفه به شکل نکره. هر کدام از این دو به تفکیک و
با ارائه شاهد مثال‌هایی در ادامه تبیین خواهند شد.

۵-۱-۱- عدم توجه به معنای قصر مستفاد از مسند معرفه

اصل در خبر، بنا بر نکره بودن آن است از این رو به‌طور طبیعی بسامد وقوع شکل نکره اسماء حسنی بیشتر از شکل معرفه است. در برخی موارد نیز فقط یکی از شکل‌ها وجود دارد. ۲۲ مورد از اسماء حسنی فقط به شکل معرفه استعمال شده‌اند همچون ﴿العظیم﴾، ﴿الکبیر﴾، ﴿الحی﴾، ﴿القیوم﴾، ﴿القاهر﴾، و... در حالی که دو اسم ﴿کریم﴾ و ﴿حلمیم﴾ فقط به صورت نکره استعمال شده‌اند و صورت معرفه آن‌ها در قرآن به کار نرفته است. نگاهی به محتوای آیات با کاربرد شکل معرفه اسماء حسنی و تحلیل آن‌ها بر اساس سیاق آیات، این نکته را به دست می‌دهد که وجود معنای قصر در آن‌ها محرز است اما عملکرد برخی مترجمان در قبال این آیات به مانند آیاتی است که اسماء در آن‌ها به صورت نکره آمده است:

نمونه اول:

در آیه ﴿لِّلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ السَّوْءِ وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (نحل/ ۶۰)، علامه طباطبایی معتقد است که جمله ﴿وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ﴾ در مقام انحصار دادن مَثَلِ اعلیٰ به خدای تعالی است و معنایش این است که در میان مثال‌ها آن مَثَلی که خوبست و در میان خوبیها آنکه از همه عالی‌تر است مخصوص خدای سبحان است که عبارت است از نفی کردن جمیع صفات بد از او و نفی کردن حدود و نواقص از صفات حسنه ثبوتیه او و جمله ﴿وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ در مقام افاده قصر و تعلیل بیان سابق است، یعنی او کسی است که تمامی عزت‌ها از اوست پس عزتش هرگز دست‌خوش ذلت نمی‌شود، چون هر ذلتی که تصور شود جز نداشتن عزت، معنایی ندارد و کسی که تمامی عزت‌ها را دارد تصور نمی‌شود که عزتی را نداشته باشد و برای اوست همه حکمت‌ها (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲):

۶۰۵). با این توضیح، مروری بر ترجمه‌های این بخش از آیه حاکی از آن است که در برخی ترجمه‌ها، معنای قصر برای مسند معرفه در عبارت «وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» لحاظ شده است، مانند:

*اوست که پیروز فرزانه است (موسوی گرمارودی)؛

*اوست که عزتمند و حکیم است (ترجمه مرکز فرهنگ و معارف قرآن)؛

*اوست آن بی‌همتا قدرتمند منشأ حکمت (صفارزاده).

و در برخی دیگر عبارت بالا بدون توجه به مفهوم قصر ترجمه شده است، مانند:

*او عزیز و حکیم است (آدینه‌وندلرستانی)؛

*او مقتدر و حکیم است (ارفع)؛

*او مقتدر و داناست (الهی‌قمش‌ای).

نمونه دوم:

«وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» (شوری / ۱۱)، در این آیه نیز عبارت پایانی مشتمل بر اسماء‌حسنی معرفه و مفید معنای قصر است. با وجود آنکه مخلوقات نیز متصف به شنوایی و بینایی هستند، قصر از آن جهت در آیه جاری است که کمال این صفات و بلکه تمامی صفات، خاص خدای متعال و منحصر در اوست (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۲۷: ۵۸۶). بررسی ترجمه‌های این آیه نشان می‌دهد که فقط ۲۰ مترجم زیر به معنای قصر در این آیه توجه کرده و آن را در ترجمه‌های خود به شرح زیر بازتاب داده‌اند:

*اوست که شنوا و بیناست (آیتی) و ترجمه‌های مشابه: صفوی، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، خرمشاهی؛

*فقط اوست شنوا و بینا (قرشی‌بنایی)؛

*اوست شنوا و بینا (مشکینی‌اردبیلی) و ترجمه‌های مشابه: صادقی‌تهرانی، شعرانی،

صفی‌علیشاه، فولادوند، معزی، نسفی، یاسری، دهلوی، بهرام‌پور، زمانی؛

*همان خدا که شنوای جمیع شنیدنیها و بینای تمام دیدنیهاست (بلاغی)؛

*چه بینا و شنوا او است و بس (عاملی)؛

*اوست آن شنوا و بینا (میبدی) و ترجمه مشابه صفارزاده.

بقیه مترجمان این عبارت را مانند خبر نکره ترجمه کرده‌اند که این برابرانگاری را می‌توان از روی تسامح و کم‌دقتی مترجمان تلقی کرد از آن‌رو که مترجمان، ناآگاه به صرف، نحو و بلاغت زبان عربی نبوده‌اند.

۵-۱-۲- ترجمه اسماء حسنی معرفه به صورت نکره

اسم‌های معرفه و نکره در زبان عربی بر اساس مقتضیات خاصی به کار می‌روند و هرکدام عهده‌دار معنایی هستند. در علوم بلاغی اغراض مختلفی برای تنکیر یا تعریف مسندالیه و مسند ذکر شده‌است (ر.ک: صالح سامرای، ۱۴۲۸، ج ۱: ۳۷-۳۸). مترجم ضمن توجه به این اصل، باید آن‌ها را به درستی به ترجمه منتقل کرده و نباید آن‌ها را به جای هم بیاورد.

کلمات نکره در زبان فارسی با افزودن «ی» به آخر اسم، «یک» در اول اسم و نیز افزودن همزمان «یک» در اول و «ی» در آخر اسم برابریابی می‌شوند (احمدی‌گیوی و انوری، ۱۳۸۴: ۶۵-۶۶). در آیات مورد بررسی عدم دقت برخی مترجمان در برگردان اسماء حسنی معرفه به فارسی دیده می‌شود که گاهی تمایز و تفکیکی میان صورت معرفه و نکره این اسماء قائل نشده‌اند. از جمله در ترجمه آیات زیر برخی مترجمان در برابریابی اسماء حسنی معرفه دقت لازم را مبذول نداشته‌اند:

* ﴿وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (جاثیه / ۳۷): و اوست که پیروزمندی حکیم است (حداد عادل):

* ﴿وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ﴾ (شوری / ۲۸): و تنها او سرپرستی ستوده است (حجتی) و اوست

سرپرستی ستوده شده (ارفع).

در چنین ترجمه‌هایی تناقضی آشکار ملاحظه می‌شود. از یک طرف مفهوم قصر در ترجمه آیات منعکس شده؛ آن هم مفهومی که از مسند معرفه به «ال» جنس مستفاد شده، از طرف دیگر همان مسند به صورت نکره ترجمه شده و این تناقضی است که برخی مترجمان در حل آن توفیق نداشته‌اند.

۵-۲- عدم دقت به بیش از یک مسند معرفه در یک آیه

در آیه ﴿وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ﴾ (انعام/ ۱۸) از انحصار قدرت حق تعالی در ضرر و زیان یا خیر رساندن و نیز قدرت مطلق او بر همه چیز سخن رفته و صفات کمال منحصر در علم و قدرت است. ﴿وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ﴾ به کمال قدرت الهی اشاره دارد و ﴿وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ﴾ به کمال علم الهی (ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰، ج: ۴: ۴۵۸). دو جزء معرفه در این آیه بدان معناست که قهر حقیقی از آن خداست و در برابر او هیچ ملجأ و پناهی برای هیچ کس نیست. او همان است که با پدیده مرگ، همه مخلوقات را تحت سلطه و سیطره خویش درآورده است (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج: ۶: ۴۳-۴۴).

در ترجمه این آیه، مترجمان را می‌توان در چهار گروه به شرح زیر دسته‌بندی نمود:

- دسته اول به ترجمه هر دو قصر توجه داشته‌اند، مانند:

* بگو: خداست که کمال اقتدار و توانایی را بر بندگان دارد و اوست که درستکار و آگاه است (الهی قمشه‌ای)؛

* اوست که بر بندگان خود حاکمیت و تسلط مطلق دارد و اوست آن حاکم آگاه از امور خلق (صفارزاده)؛

* و فقط اوست که بر جمیع بندگان خود، چیره و قاهر است و اوست با حکمت آگاه (زمانی).

- دسته دوم فقط به ترجمه قصر در بخش نخست توجه داشته‌اند، مانند:

* و اوست که بر بندگان خویش چیره است و او فرزانه آگاه است (موسوی گرمارودی)؛

* و اوست که بر بندگانش چیره و غالب است، و او حکیم و آگاه است (انصاریان).

- دسته سوم فقط قصر دوم را در ترجمه لحاظ کرده‌اند:

* و او بر بندگان خویش چیره است...، اوست آن حکیمی که... (صفوی) که البته مترجم

در ترجمه «الحکیم» که معرفه است دقت ننموده و آن را به صورت نکره ترجمه کرده‌است.

- دسته چهارم که هیچ کدام از قصرها را در ترجمه خویش در نظر نگرفته‌اند، مانند:

* و او برتر از بندگان خود چیره است و او حکیم آگاه است (برزی)؛
* او بر بندگان مسلط و فرزانه‌ای آگاه است (پورجوادی) که ﴿الْحَكِيمُ﴾ را نیز به صورت نکره ترجمه کرده است.
* و او بر بندگان خویش قاهر و چیره است و او حکیم آگاه است (بهرام‌پور).

۵-۳- عدم توجه به ترجمه چند قصر به شیوه‌های گوناگون در یک آیه

از جمله مسائلی که بر ترجمه مسند معرفه اثرگذار بوده است، همراهی آن با دیگر ادات قصر همچون نفی و «إلا» است. این مسئله باعث شده تا بسیاری از مترجمان فقط به ترجمه قصر برخاسته از نفی و «إلا» اقدام کنند و توجهی به قصر ناشی از تعریف مسند نداشته باشند. در ابتدای آیه ۲۵۵ از سوره بقره: ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ﴾، قصر به شیوه "نفی و استثنا" و "تعریف" ﴿الْحَيُّ﴾ و ﴿الْقَيُّومُ﴾ وجود دارد که این دو واژه، خبر دوم و سوم برای لفظ جلاله الله هستند. این آیه، حیات را منحصر در خدای تعالی کرده که این قصر حقیقی است نه نسبی و اینکه حقیقت حیات یعنی آن حیاتی که آمیخته با مرگ نیست و در معرض نابودی قرار نمی‌گیرد تنها حیات خدای تعالی است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۵۰۴).

﴿الْحَيُّ﴾ اتصاف کامل خداوند به حیات حقیقی است و در اینجا خداوند نفرموده «حی»؛ زیرا آنگاه اقتضا می‌کرد که او زنده‌ای همچون بقیه زندگان باشد. تعریف ﴿الْحَيُّ﴾ دال بر کمال و قصر آن است زیرا هرچیز و هرکسی جز او محکوم به مرگ است و ﴿الْقَيُّومُ﴾ نیز معرفه است تا این معنا را برساند هیچ کسی جز او قائم به تدبیر امور بندگان نیست (صالح سامرایی، ۲۰۰۳: ۲۳).

در برخی ترجمه‌ها همچون ترجمه آیتی فقط قصر اول در ترجمه منعکس شده است:

*الله خدایی است که هیچ خدایی جز او نیست. زنده و پاینده است.

سایر ترجمه‌هایی که این نکته را رعایت نکرده‌اند، کم و بیش مشابه همین ترجمه را ارائه داده‌اند، با وجود آنکه جمله را مستقل در نظر گرفته‌اند؛ اما در ترجمه خبر معرفه به «ال»

جنس که مفهوم قصر دارد، دقت کافی مبذول نداشته‌اند. برخی دیگر از مترجمان هر دو قصر مستفاد از آیه را در ترجمه منعکس کرده‌اند، از جمله:

*تنها خدا - که هیچ معبودی جز او شایسته پرستش نیست - زنده و برپادارنده هستی است (صفوی)؛

*خداوند است که هیچ خدایی جز آن زنده پایدار نیست (موسوی‌گرمارودی)؛

*خداست که نیست هیچ معبود بسزائی جز او که زنده و بی‌پای دارنده است (سراج)؛

شایان ذکر است که ترجمه سراج با وجود آنکه در انعکاس مفهوم دو قصر مذکور توفیق داشته اما ترجمه‌ای تحت‌اللفظی با حفظ ساختار زبان مبدأ است.

۴-۵ - عدم تمایل به داشتن رویه یکسان در ساختارهای مشابه

یکی از مراحل پایانی ترجمه یکسان‌سازی است. مراد از یکسان‌سازی، رفتاری یکسان در ترجمه عناصر و الگوهای مشابه است که امری کاملاً منطقی و صواب است زیرا تغییر در نوع تعبیر در بسیاری موارد موجب تغییر معنا یا تغییر بلاغت یا تغییر درجه اثرگذاری می‌شود (جوهری، ۱۳۹۵: ۱۷۳).

نباید به بهانه عبارت‌پردازی و تفنن، ترجمه‌هایی متفاوت ارائه کرد مگر در مواردی که بار معنایی ترجمه‌ها کاملاً برابر باشد، البته اگر الگوهای مشابه در یک سطر یا در جایگاههای نزدیک به هم قرار داشته باشند ممکن است مسئله زیبایی‌شناختی آن بر مسئله یکسان‌سازی برتری و ترجیح یابد (همان، ۱۷۵). در ادامه با توجه این مسأله نمونه‌هایی ذکر می‌شود:

نمونه اول:

عبارت ﴿وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ در انتهای ۷ آیه از قرآن ذکر شده است. در جدول زیر برای رعایت اختصار به شیوه نگرش مترجمان به ترجمه قصر فقط در سه آیه اشاره می‌شود:

جدول شماره (۲): شیوه نگرش مترجمان به سه آیه منتخب از آیات مشابه

آدرس	مترجمانی که مفهوم قصر را به ترجمه منتقل کرده‌اند
بقره/ ۱۳۷	صفا زاده، مصباح‌زاده، مکارم‌شیرازی
انعام/ ۱۳	آیتی، خسروانی، صفا زاده، صفوی، عاملی، مصباح‌زاده، نسفی
عنکبوت/ ۵	صادقی‌تهرانی، صفوی، فولادوند، قرائتی

داده‌های جدول بیانگر آن است که مترجمان فوق در ترجمه آیه مشابه مذکور رویه یکسانی در پیش نگرفته‌اند.

نمونه دوم: در آیات اول از سوره‌های حدید، حشر و صف با وجود آنکه متن آیه تقریباً مشابه و عبارت پایانی عیناً تکرار شده باز هم عدم رعایت شیوه‌ای یکسان در انتقال مفهوم قصر مستفاد از عبارت پایانی نمایان است که برای نمونه به چند ترجمه اشاره می‌شود:

جدول شماره (۳): شیوه نگرش مترجمان به ترجمه سه آیه مشابه

نام مترجم	سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (حدید/ ۱)	سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (حشر/ ۱)	سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (صف/ ۱)	توضیح
آیتی	او پیروزمند و حکیم است.	اوست پیروزمند و حکیم.	اوست پیروزمند و حکیم.	ترجمه قصر در آیه دوم و سوم
قرشی‌بنابی	او غالب و حکیم است.	اوست توانا و حکیم.	فقط اوست توانا و حکیم.	ترجمه قصر در آیه دوم و سوم
رهنما	اوست بی‌همتای حکیم.	او بی‌همتای حکیم است.	او بی‌همتای حکیم است.	ترجمه قصر در آیه اول
عاملی	او اوست درستکار و گرامی.	او عزیز است و حکیم.	او برتر است و درستکار.	ترجمه قصر در آیه اول
مصباح‌زاده	اوست غالب درست‌کردار.	او غالب درست‌کردار است.	اوست غالب درست‌کردار.	ترجمه قصر در آیه اول و سوم
یاسری	اوست عزیز درستکار.	اوست نیرومند درستکار.	او غلبه‌کننده و درستکار است.	ترجمه قصر در آیه اول و دوم
خرمشاهی	اوست پیروزمند فرزانه.	او پیروزمند فرزانه است.	اوست پیروزمند فرزانه.	ترجمه قصر در آیه اول و سوم

بقیه مترجمان که یا اساساً به وجود قصر توجهی نداشته‌اند یا در ترجمه این آیات مشابه دقت لازم را مبذول داشته‌اند.

۵-۵- عدم دقت در ساخت نحوی زبان مبدأ

گذری هرچند کوتاه به کتاب‌های تفسیر و اعراب قرآن این نکته را به دست می‌دهد که شمار بسیاری از واژگان قرآن می‌توانند نقش‌های متفاوت نحوی را بپذیرند. آنچه به بحث ترجمه قرآن مربوط می‌شود، آنکه مترجم نمی‌تواند همه این نقش‌ها را به زبان مقصد منتقل کند و چاره‌ای جز گزینش یک نقش ندارد (جواهری، ۱۳۹۵: ۱۲۷-۱۲۸). در این خصوص برخی نظریه‌های مبنی بر پذیرش تعدد نقش‌های متعدد نحوی مطرح شده که پرداختن به آن‌ها در این مجال نمی‌گنجد.

آنچه مسلم است آنکه پذیرش نقش‌های متعدد نحوی منجر به ابهام می‌شود و ابهام در کلام بلیغ قرآن راه ندارد زیرا بر خلاف بلاغت عربی و مقتضای حال مخاطب است، پس در مواردی که نقش‌های متعدد برای کلمات طرح شده، مترجم باید با استفاده از تفسیر و قرائن به نقش درست کلمه برسد و آن را در ترجمه منعکس کند. با این وجود در موضوع مورد بحث پژوهش مواردی از عدم دقت در نقش نحوی کلمات مشاهده می‌شود که فهم درست آن به آسانی با مراجعه به کتب تفسیر و اعراب حاصل می‌شده است. به عنوان مثال:

در کتب تفسیر و اعراب قرآن برای ﴿الرَّحْمَنُ﴾ در آیه ﴿الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ فَسئَلُ بِهِ خَبِيرًا﴾ (فرقان / ۵۹) نقش‌های مختلفی ذکر شده است که برای سهولت مقایسه در جدول ارائه می‌شود:

جدول شماره (۴): نقش نحوی کلمه «الرحمن» از کتب اعراب و تفسیر قرآن

نقش کلمه «الرحمن»	کتب تفسیر و اعراب
خبر برای مبتدای محذوف	(درویش، ۱۴۱۲ق، ج: ۷، ۳۳)؛ (نحاس، ۱۴۲۱، ج: ۱، ۱۱۳)؛ (علوان، ۱۴۲۷، ج: ۳، ۱۶۰۰)؛ (سیدطنطاوی، ۱۳۸۴: ۴۷۷)؛ (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳، ج: ۳، ۲۴۷)؛ (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج: ۱۹، ۸۱)؛ (فخررازی، ۱۴۲۰، ج: ۲۴، ۴۷۸)؛ (کرباسی، ۱۴۲۲، ج: ۵، ۵۲۸)؛ (عکبری، ۱۴۱۹: ۲۸۶)؛ (ابن حموش، ۱۴۲۳: ۴۸۹)؛ (ابن انباری، ۱۳۶۲، ج: ۲، ۲۰۷)؛ (طبرسی، ۱۳۷۲، ج: ۷، ۲۷۲)
خبر برای الذی	(درویش)؛ (صافی، ۱۴۱۸، ج: ۱۹، ۳۵)؛ (فخررازی)؛ (ابن انباری)
بدل از ضمیر مستتر در استوی	(نحاس)؛ (علوان)؛ (صافی)؛ (زمخشری، ۱۴۰۷، ج: ۳، ۲۸۹)؛ (عکبری)؛ (ابن انباری)؛ (طبرسی)
مبتدایی که خبرش «فَسئَلُ بِهِ خَیْرًا» است	(نحاس)؛ (علوان)؛ (فخررازی)؛ (عکبری)؛ (ابن انباری)
فاعل برای استوی	(طبرسی)

بنابر نظر علامه طباطبایی آنچه از سیاق و نظم کلام برمی آید این است که کلمه «الرَّحْمَنُ» خبر باشد برای مبتدایی که حذف شده و تقدیر کلام «هو الرحمن» و جمله «فَسئَلُ» متفرع بر آن است، چون «فاء»، تفریع و نتیجه گیری را می رساند و معنای جمله این است که او رحمان است؛ همان رحمانی که مسلط بر اریکه ملک است و همان کسی که خلق و امر عالم قائم به رحمت و افاضه اوست، تمامی موجودات از ناحیه او آغاز نموده به سوی او بر می گردند، پس حقیقت حال را از چنین کسی بپرس که او خبیر است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج: ۱۵، ۳۲۲). با توجه به آنچه گفته شد، بنابر نظر مشهور و صائب، «الرَّحْمَنُ» خبر برای مبتدای محذوف است در حالیکه در برخی ترجمه ها به عنوان بدل برای ضمیر مستتر در «استوی» در نظر گرفته شده و با این پیش فرض در ترجمه ها انعکاس یافته است:

*...آنگاه همین خدای رحمان بر عرش (قدرت و فرمانروایی) قرار گرفت... (الهی قمشه ای)؛

*...آن گاه خدای رحمان بر عرش استیلا یافت... (پورجوادی).

علاوه بر نقش فوق در برخی دیگر از ترجمه‌ها کلمه ﴿الرَّحْمَنُ﴾ به گونه ای ذکر شده که گویی به عنوان مضاف الیه برای عرش در نظر گرفته شده است:
*...آن گاه عرش رحمانی خود را بیاراست و برای آنکه به اسرار خلقت آگاه شوی از حقیقت جو یا شو (بروجردی)؛

*...پس بیاراست عرش رحمانی را با حسن کامل خلقت پس پیرس از آن آگاهی را (صفی‌علیشاه)؛

نمونه دوم:

در آیه ﴿وَرَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوا﴾ (کهف/ ۵۸) کلمه ﴿الْغَفُورُ﴾ خبر برای «رب» است در صورتی که در برخی از ترجمه‌ها به عنوان صفت آمده است:
*پروردگار بخشنده تو صاحب رحمت و بخشایش است (بروجردی).

نمونه سوم:

در آیه ﴿وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ إِنْ يَشَأْ يُدْهِبْكُمْ﴾ (انعام/ ۱۳۳) که با آیه فوق مشابه است، در ترجمه یاسری نیز نقش صفت برای ﴿الْغَنِيُّ﴾ در نظر گرفته شده:
*و پروردگار بی‌نیاز تو صاحب رحمت است (یاسری).

همانطور که ملاحظه می‌شود با وجود آنکه دو نمونه اخیر ساختاری یکسان دارند اما عملکرد مترجمان در قبال آن‌ها متفاوت است. یاسری در ترجمه آیه ۵۸ سوره کهف اینگونه آورده: «و پروردگار تو بسیار آمرزنده و صاحب رحمت است» و بروجردی در ترجمه آیه ۱۳۳ سوره انعام گفته: «خدای تو بی‌نیاز و صاحب رحمت و مهربان است» که در این نمونه‌ها نیز عدم تمایل و دقت در ساختارهای مشابه نمایان است.

۵-۶- تردید در وجود قصر در ساختار آیه

از دیگر نقایصی که کم و بیش در برخی ترجمه‌ها وجود دارد، تردید مترجم در وجود معنای قصر در عبارات پیش‌فرض پژوهش است. این تردید را می‌توان در ارائه مفهوم قصر

از سوی مترجم در پراتنز ملاحظه نمود. بیشترین تعداد از این نوع، در ترجمه صادقی تهرانی مشاهده می‌گردد. در برخی از ترجمه های وی کلمه دال بر قصر در پراتنز قرار گرفته؛ مانند: ﴿وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ﴾ (انعام/ ۱۳۳): و پروردگارت (تنها) بی نیازِ کانون رحمت است.

﴿ذَلِكَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾ (سجده/ ۶): اوست (همان) دانای نهان و آشکار (آن) شکوهمند رحمت گر بر ویژگیان.

﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ﴾ (حشر/ ۲۳): او خدایی است که به جز او معبودی نیست (همان) فرمانروای دارای قداست و پاکی بسیار...

﴿اللَّهُ الصَّمَدُ﴾ (اخلاص/ ۲): خدا، (همان) پروردگار بی نیاز مطلق است.

از آنجا که «پراتنز برای توضیحات نسبتاً اضافی به کار می‌رود؛ توضیح‌هایی از قبیل تاریخ‌ها، ذکر مثال‌ها، معنی لغت‌ها، معادل کلمات، ارجاع‌ها، ذکر منابع، حرف‌های اختصاری دعایی، تلفظ کلمه‌ها، عبارت‌ها یا جمله‌های تکمیل‌کننده یا توضیح‌دهنده و مثل اینها» (غلامحسین زاده، ۱۳۸۰: ۵۴)، اگر پراتنز از ترجمه‌های فوق حذف گردد، مفهوم قصر نیز از ترجمه حذف می‌گردد. به اعتقاد نگارنده به کارگیری این روش در ترجمه بیانگر آن است که مترجم در وجود قصر در آیه به اطمینان نرسیده است و گرنه ضرورتی نداشته که آن را در پراتنز به عنوان یک توضیح اضافی در نظر بگیرد.

علاوه بر ترجمه فوق، در ترجمه فولادوند نیز در یک مورد این تردید ملاحظه می‌شود که مترجم معادل قصر را در قلاب قرار داده است:

﴿هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ﴾ (غافر/ ۶۵): اوست [همان] زنده‌ای که خدایی جز او نیست.

این تردید در شرایطی است که مترجمان مذکور در سایر آیات با ساختار مشابه اینگونه عمل نکرده‌اند.

۵-۷- عدم ارائه برابرنهادهای معمول

استفاده از کلمات غیرمرسوم و غیرمعمول در ترجمه قصر از دیگر اشکالهایی است که در ترجمه‌های قرآن مشاهده می‌گردد. از جمله برابرنهادهای غیرمعمول می‌توان به کلماتی همچون «بی‌تردید»، «درحقیقت»، «البته» اشاره کرد که اساساً جزء قیده‌های تأکید در زبان فارسی به‌شمار می‌روند و نمی‌توانند معادل‌های مناسبی برای قصر در مسند معرفه محسوب شوند.

استفاده از «بی‌تردید» و «البته» در ترجمه آیه: ﴿أَوْ لَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ﴾ (یس / ۸۱):

*... او آفریدگاری داناست بی‌تردید (صلواتی)؛

*... و البته او آفریدگاری داناست (طاهری)؛

استفاده از «به‌حقیقت» در ترجمه آیه: ﴿وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهُهُ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهُهُ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ﴾ (زخرف / ۸۴):

*... و هم او (به نظام کامل آفرینش) به‌حقیقت با حکمت و داناست. (الهی‌قمشه‌ای)؛

*... به نظام کامل آفرینش بحقیقت داناست (بروجدی)، از جمله نمونه‌هایی هستند که وجود قصر در آنها قطعی است.

۵-۸- گرایش به ترجمه تحت‌اللفظی در ساختارهای دارای بیش از یک قصر و تأکید

با وجود شیوه‌های متنوعی که در زبان فارسی برای قصر وجود دارد و پیش‌تر به آنها اشاره شد، انتظار می‌رود که مترجمان در انعکاس مفهوم قصر در زبان فارسی با سهولت بیشتری عمل کنند؛ اما در بررسی ترجمه‌ها نمایان گردید که مترجمان به اندازه کافی از این روش‌ها بهره نبرده‌اند و گاهی ترجمه آن‌ها به سمت‌وسویی متکلف گراییده‌است به‌خصوص در مواردی که بیش از دو قصر یا تأکید در جمله وجود داشته‌است.

از جمله می‌توان به آیه ﴿إِنَّ هَذَا لَهُوَ النَّصْصُ الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (آل‌عمران / ۶۲) اشاره نمود که عبارت پایانی مشتمل بر چند مؤلفه تأکید و قصر

است: "إِنَّ + لام تأکید + ضمیر فصل + مسند معرفه + اسمیه بودن جمله". استفاده از دو قید تأکید همسان مثل «بدرستی که» و «هرآینه» در برخی ترجمه‌ها باعث تکلف و فاصله‌گرفتن ترجمه از نثر معیار فارسی شده است:

*...بدرستی که خدا هرآینه اوست غالب درست‌کار (صفی‌علیشاه و شعرانی)؛

*...همانا خدا هرآینه اوست دارای عزت و حکمت (ثقفی‌تهرانی).

شایان ذکر است که اینگونه ترجمه‌ها به «لام تأکید» در عبارت فوق توجهی نداشته‌اند و معادلی برای آن در ترجمه ذکر نکرده‌اند. در این خصوص یکی از ترجمه‌های پیشنهادی نگارنده به این شرح است: «همانا این خداست که شکست‌ناپذیر فرزانه است و بس». در مورد آیاتی نیز که حرف مشبّه‌بِالفعل برای تعلیل در نظر گرفته شده و انتظار می‌رفته انعکاس یک قصر و یک تأکید آسانتر باشد، باز هم توجه و اهتمام کافی بدان صورت نگرفته است و برخی مترجمان از کلماتی مشابه کلمات فوق‌الذکر در کنار هم استفاده کرده‌اند؛ به‌گونه‌ای که ترجمه رنگ و بوی ترجمه تحت‌اللفظی به‌خود گرفته است، مانند:

﴿رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (بقره/ ۱۲۹): «...زیرا البته تو، همان تو، غالب هستی و کارهایت از روی اساس است» (بلاغی).

۵-۹- غفلت از هم‌نشینی اسماء حسنی معرفه با سایر ادات تأکید

هم‌نشینی اسماء حسنی معرفه با ادات تأکیدی مثل حروف مشبّه‌بِالفعل، لام تأکید و نیز ضمیر فصل که گاهی برای تأکید است و گاهی برای قصر، بر عدم ترجمه صحیح اثرگذار بوده است. در ترجمه‌های کهن و معاصر دیده می‌شود که مترجم از انتقال برخی از این ادات به زبان فارسی امتناع جسته و ترجمه‌ای ناقص ارائه کرده است. در این زمینه با دو دسته از آیات روبه‌رو هستیم:

دسته اول: آیاتی که با حروف مشبّهة بالفعل (إِنْ-أَنَّ) شروع می‌شوند سپس ضمیر فصل می‌آید و پس از آن‌ها مسند معرفه. در این دسته، حرف مشبّهة بالفعل گاهی معنای تعلیل دارد که باز هم از سوی برخی مترجمان مورد توجه قرار گرفته و از سوی برخی دیگر نه.

نمونه اول:

در آیه ﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ (بقره/۱۲۷)، جمله ﴿إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ تعلیل برای طلب قبولی دعای ماقبل آن است و تعریف مسند و مسندالیه در آن و همچنین وجود ضمیر فصل دو قصر ایجاد کرده که برای مبالغه در کامل بودن دو وصف ﴿السَّمِيعُ﴾ و ﴿الْعَلِيمُ﴾ در وجود خداوند هستند. البته این قصرها را می‌توان قصرحقیقی نیز در نظر گرفت از این جهت که فقط خداوند شنونده و دانا به دعای ماست (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱: ۷۰۰). بررسی ترجمه‌ها حاکی از آن است که برخی از مترجمان در انتقال دو قصر موجود در آیه در کنار تأکید به درستی عمل کرده‌اند، از جمله:

* که در حقیقت، تو خود شنوا و دانایی (مرکز فرهنگ و معارف قرآن)؛

* که به راستی تو خود شنوای دانایی (حدادعادل)؛

* که تو آن شنوای دانایی بی‌تردید (صلواتی).

برخی مترجمان نیز بدون توجه به همه مؤلفه‌های قصر و تأکید ترجمه‌ای ارائه کرده‌اند، مانند:

* که تو شنوای دانایی (پورجوادی)؛

* بی‌گمان تو شنوا و دانا (به گفتار و نیات ما) هستی (خرمدل).

نمونه دوم:

﴿رَبَّنَا لَا تُرِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ﴾ (آل‌عمران/۸)

در این آیه نیز قصر به واسطه ضمیر فصل و مسند معرفه صورت گرفته‌است. قصر در این بخش از آیه برای مبالغه و کمال صفت بخشنده بودن در وجود حق تعالی است زیرا

بخشش‌های بشری در برابر کثرت و عظمت بخشش‌های الهی بسی اندک و ناچیزند (ابن-عاشور، ۱۴۲۰، ج ۳: ۳۰). نگاهی به ترجمه‌های این آیه نیز بیانگر آن است که برخی مترجمان در ترجمه سه مؤلفه تأکید و قصر به‌درستی عمل نموده‌اند، از جمله:

* که این تویی که بسیار بخشنده‌ای (موسوی‌گرمارودی)؛

* زیرا البته تو - همان تو - بسیار بخشنده‌ئی (بلاغی)؛

* که بخشاینده تویی، تو (طاهری‌قزوینی).

در ترجمه‌های فوق، حرف مشبّه‌بِالفعل، برای تعلیل نسبت به ماقبل بوده و مترجمان سعی کرده‌اند آن را به ترجمه منتقل کنند اما در ترجمه بلاغی پایبندی به ساختار زبان مبدأ باعث شده تا ترجمه وی مطابق با قواعد زبان معیار نباشد. متأسفانه مواردی از این دست در ترجمه‌ها کم نیست و شایسته و بایسته آن بوده که ترجمه‌ها توسط ویراستاران مسلط به زبان معیار ویرایش شوند.

دسته دوم: در برخی از آیات قرآن علاوه بر مؤلفه‌های ذکرشده در دسته پیشین، لام تأکید بر ضمیر فصل نیز وارد شده‌است. در این دسته ۱۰ عبارت قرار می‌گیرند که فقط در یک مورد در ترجمه فولادوند همه مؤلفه‌ها در ترجمه فارسی منعکس شده‌اند: ﴿لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾ (حج/ ۶۴): «درحقیقت، این خداست که خود بی‌نیاز ستوده [صفات] است». در این ترجمه هرچند که ۴ مؤلفه قصر و تأکید در ترجمه نمود پیدا کرده‌اند اما به نظر می‌رسد برای تطابق کامل با دستور زبان فارسی باید ویرایش شود زیرا اگر ضمیر مشترک (خود) جز در دو نقش مفعولی و متمم هم‌مرجع با نهاد ذکر شود، تأکیدی است (وحیدیان‌کامیار، ۱۳۸۱: ۱۰۱)؛ اما در ترجمه فوق لفظ «خود» نمی‌تواند نقش تأکیدی در جمله داشته باشد. در بخش مدل‌های پیشنهادی ذیل عنوان ۴-۴ پیشنهادهاتی در خصوص ترجمه این آیه ذکر شده‌است. در ترجمه دیگر آیات این دسته بقیه مترجمان به اندازه کافی به ترجمه صحیح و انعکاس همه مؤلفه‌های قصر و تأکید اهتمام نداشته‌اند حتی برخی از آن‌ها به آیه همچون عبارتی فاقد هرگونه قصر و تأکید نگرسته‌اند،

از جمله در ۸ آیه مشابه از سوره شعراء: ﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَسَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾ (آیات ۹، ۶۸، ۱۰۴، ۱۲۲، ۱۴۰، ۱۵۹، ۱۷۵، ۱۹۱):

* و پروردگار تو عزیز و رحیم است (حجتی)؛

* و پروردگار تو توانا و مهربان است (مکارم شیرازی)، این مترجم فقط در آیه ۱۴۰ یک تأکید را ذکر کرده است: به یقین پروردگار تو توانا و مهربان است.

برخی مترجمان نیز فقط به انتقال یکی از مؤلفه‌های قصر و تأکید اقدام نموده‌اند:

* به راستی پروردگار تو پیروزمند و مهربان است (آیتی)؛

* البته پروردگار تو بسیار مقتدر و مهربان است (کاویان‌پور) که این دو مترجم در هر هشت آیه، ترجمه‌ای یکسان ارائه کرده‌اند.

برخی دیگر نیز فقط به انتقال دو مؤلفه قصر و تأکید اهتمام ورزیده‌اند:

* و یقیناً پروردگارت همان توانای شکست‌ناپذیر مهربان است (انصاریان)؛

* و مسلماً تنها پروردگار تو شکست‌ناپذیر [و] مهرورز است (رضایی اصفهانی) که این دو مترجم نیز در هر ۸ آیه ترجمه‌ای یکسان ارائه کرده‌اند.

در ترجمه آیات مشابه سوره شعراء هیچ‌یک از مترجمان به ترجمه تمامی مؤلفه‌ها توجه نداشته‌اند. در زبان قرآن که زبانی دقیق و در اوج بلاغت و فصاحت است، ذکر هر حرف و کلمه به یقین با هدفی والا صورت گرفته و درصدد ذکر معنایی بوده که شایسته است مترجمان تمامی توان خود را به کار گیرند تا بتوانند تمامی مفاهیم را در زبان فارسی برابریابی کنند.

۶- تحلیل کمی جامعه مورد پژوهش

تحلیل کمی و بررسی میزان دقت مترجمان در ترجمه آیات مشتمل بر اسامی حسنی در ۴ دسته به تفکیک به شرح زیر است:

دسته اول: آیات مشتمل بر مسند معرفه بدون ادات تأکید و قصر

تعداد عباراتی که در این دسته جای می‌گیرند، ۷۳ عبارت است. شایان ذکر است که در برخی آیات دو مسند معرفه وجود داشته و در شمارش جداگانه در نظر گرفته شده‌اند:

جدول شماره (۵): میزان توجه به مفهوم قصر در ترجمه آیات دسته اول

نام مترجم	تعداد بیان مفهوم قصر در ترجمه	نام مترجم	تعداد بیان مفهوم قصر در ترجمه
آدینه‌وندلرستانی	۱۵	سراج	۹
آیتی	۲۹	شعرانی	۶۰
ابوالفتح رازی (روض الجنان)	۱۱	صادق‌نوبری	۵
ارفع	۸	صادقی‌تهرانی (ترجمان‌فرقان)	۴۸
انصاریان	۱۳	صفارزاده	۶۱
الهی قمش‌های	۲۵	صفوی	۵۲
امین‌اصفهانی (مخزن‌العرفان)	۲۶	صفی‌علیشاه	۵۸
برزی	۵	صلواتی	۲۵
بروجردی	۱۵	طاهری‌قزوینی	۲۲
بلاغی (حجة‌التفاسیر)	۱۰	عاملی	۲۶
بهرام‌پور	۲۳	فارسی	۱۳
پاینده	۱۱	فولادوند	۴۶
پورجوادی	۲	قرائتی	۳۴
ترجمه‌طبری	۵۶	قرشی‌بنایی (احسن‌الحدیث)	۲۱
تقفی‌تهرانی (روان‌جاوید)	۵۶	کاویان‌پور	۱۱
حجتی	۱۴	مجتبوی	۵۳
حداد‌عادل	۱۸	مرکز فرهنگ و معارف قرآن	۶۱
خرمدل	۶	مشکینی‌اردبیلی	۴۶
خرمشاهی	۲۰	مصباح‌زاده	۴۸
خسروانی (تفسیر خسروی)	۳۵	معزی	۵۹
دهلوی	۵۲	مکارم‌شیرازی	۱۹
دهم هجری	۲	موسوی‌گرمارودی	۱۴
رضایی‌اصفهانی	۴	میبدی (کشف‌الاسرار)	۵۴
رهنما	۱۵	نسفی	۴۳
زمانی	۵۹	یاسری	۵۰

داده‌های جدول، نمایانگر آن است که ترجمه‌های "مرکز فرهنگ و معارف قرآن" و "صفارزاده" با ۶۱ مورد در انتقال مفهوم قصر مستفاد از مسند معرفه دقت داشته و آن را به خوبی به زبان مقصد منتقل کرده‌اند. علاوه بر این ترجمه‌های کهن همچون ترجمه "طبری"، "مبیدی" و نیز ترجمه "معزی" به عنوان یک ترجمه تحت‌اللفظی در انتقال مفهوم قصر عملکرد مناسبی داشته‌اند.

دسته دوم: آیات مشتمل بر ضمیر فصل و مسند معرفه

تعداد آیاتی که در این دسته جای می‌گیرند، سه آیه است و فقط "زمانی"، "حجتی" و "کاویان‌پور" هر کدام توانسته‌اند دو مورد از آن‌ها را به‌درستی ترجمه کنند:

جدول شماره (۶): میزان توجه به مفهوم قصر در ترجمه آیات دسته دوم

مترجمانی که مفهوم قصر را به ترجمه منتقل کرده‌اند	آدرس آیه
زمانی	مائده / ۷۶
قرشی‌بنابی، بلاغی، حجتی، صفوی، کاویان‌پور	شوری / ۹
آدینه‌وندلرستانی، الهی‌قمش‌ای، بروجردی، صادقی‌تهرانی، حجتی، طاهری‌قزوینی، کاویان‌پور، مکارم‌شیرازی، صادق‌نوبری، مبیدی، حدادعادل، زمانی	فاطر / ۱۵

دسته سوم: آیات مشتمل بر حروف مشبّهة بالفعل، ضمیرفصل و مسند معرفه

در این دسته ۴۴ عبارت از قرآن جای می‌گیرند که میزان توجه مترجمان به ترجمه همه مؤلفه‌های مذکور در جدول زیر ذکر شده‌است:

جدول شماره (۷): میزان توجه به مفهوم قصر در ترجمه آیات دسته سوم

نام مترجم	تعداد بیان مفهوم قصر در ترجمه	نام مترجم	تعداد بیان مفهوم قصر در ترجمه
الهی قمشه‌ای	۳	صفوی	۳
برزی	۴	صفی‌علیشاه	۱۰
بلاغی (حجة‌التفاسیر)	۲۴	صلواتی	۱۰
بهرام‌پور	۳	طاهری‌قزوینی	۳
پاینده	۲	عاملی	۱
ترجمه‌طبری	۲۰	فارسی	۶
ثقفی‌تهرانی (روان‌جاوید)	۷	فولادوند	۳
حجتی	۱	قرائتی	۲
حدادعادل	۴	مجتبوی	۱
خرمدل	۱	مرکز فرهنگ و معارف قرآن	۳
خسروانی (تفسیر خسروی)	۲	مشکینی‌اردبیلی	۶
دهلوی	۲	مصباح‌زاده	۹
ترجمه قرن دهم هجری	۴	معزی	۶
رضایی‌اصفهانی	۵	موسوی‌گرمارودی	۶
زمانی	۱۰	میبدی (کشف‌الاسرار)	۵
شعرانی	۱۴	نسفی	۵
صادقی‌تهرانی (ترجمان- فرقان)	۱۳	یاسری	۱
صفارزاده	۵	---	

داده‌های جدول بیانگر آن است که "حجة‌التفاسیر" به‌عنوان یک تفسیر فارسی که در ابتدا، ترجمه‌ای از آیات را ارائه داده- و ترجمه "طبری" در ترجمه این دسته از آیات توفیق بیشتری داشته‌اند. سایر مترجمانی که در جدول شماره (۷) نامشان ذکر نشده، در انتقال تمامی مؤلفه‌های حصر و تأکید توفیق نداشته و نتوانسته‌اند هیچکدام از آیات این دسته را به‌درستی ترجمه کنند.

دسته چهارم: آیات حروف مشبّهة بالفعل، لام تأکید، ضمیر فصل و مسند معرفه
تعداد آیات این دسته ۱۰ آیه است که همانطور که پیش از این نیز اشاره شد، فقط
فولادوند در یک آیه (حج، ۶۴) توانسته چهار مؤلفه قصر و تأکید را به ترجمه منتقل کند.

۷- نتیجه گیری

از بررسی ۵۰ ترجمه قرآن در چهار دسته از آیات مشتمل بر مسند معرفه (با محوریت
اسماء حسنی معرفه به «ال» جنس) نتایج زیر حاصل شده است:

۱- مهمترین اشکالاتی که در ترجمه‌های مورد بررسی مشاهده شد، عبارتند از:
برابری خبر معرفه و نکره، ترجمه اسماء حسنی معرفه به صورت نکره، عدم دقت به
بیش از یک مسند معرفه در یک آیه، عدم توجه به ترجمه چند قصر به شیوه‌های گوناگون
در یک آیه، عدم تمایل به داشتن رویه یکسان در ساختارهای مشابه، عدم دقت در ساخت
نحوی زبان مبدأ، تردید در وجود قصر در ساختار آیه، عدم ارائه برابرهای معمول،
گرایش به ترجمه تحت‌اللفظی در ساختارهای دارای بیش از یک قصر و تأکید، غفلت از
هم‌نشینی اسماء حسنی معرفه با سایر ادات تأکید.

۲- در ترجمه مسند معرفه (بدون هم‌نشینی با ادات قصر و تأکید) ترجمه‌های "مرکز
فرهنگ و معارف قرآن" و "صفارزاده" هر کدام با ۶۱ مورد از میان ۷۳ عبارت مشتمل بر
مسند معرفه بیشترین میزان دقت در ترجمه این نوع قصر را به خود اختصاص داده‌اند. در
آیات مشتمل بر سه مؤلفه قصر و تأکید ترجمه "بلاغی" با ۲۴ و ترجمه "طبری" با ۲۰
مورد بیشترین توفیق را در ترجمه این دسته از آیات داشته‌اند.

۳- در مقایسه ترجمه‌های کهن و معاصر تفاوت معناداری در میزان دقت مترجمان
مشاهده نشد.

۴- بررسی ترجمه‌ها بر اساس سبک ترجمه نیز نشان می‌دهد که تفاوت قابل ملاحظه‌ای
در میان سبک‌های مختلف در ترجمه این نوع قصر وجود ندارد. در ترجمه‌های تحت‌اللفظی
مانند "معزی" و در ترجمه‌های وفادار مانند ترجمه "فولادوند" و در ترجمه‌های معنایی و

مقصدگرا مانند ترجمه "مکارم شیرازی" و "بهرام پور" نیز میزان دقت در ترجمه قصر تفاوتی با دیگر سبک‌ها ندارد به عبارت دیگر سبک ترجمه تأثیری در میزان اهتمام یا عدم اهتمام مترجمان به ترجمه قصر مستفاد از مسند معرفه نداشته است.

۵- با وجود آنکه برخی مترجمان تلاش نموده‌اند تا مفاهیم قصر و تأکید در آیات مورد بحث، در زبان فارسی منعکس شود اما در مواردی ترجمه‌های معاصر مطابق قواعد زبان فارسی نیست.

۸- پی‌نوشت‌ها

(۱) *دسته اول: آدرس آیات مشتمل بر اسماء حسنی معرفه

بقره/ ۱۳۷، ۱۶۰، ۱۶۳، ۲۵۵ (دومورد)؛ آل عمران/ ۲، ۶، ۱۸؛ انعام/ ۱۳، ۱۸ (دو مورد)، ۶۱، ۶۵، ۷۳، ۱۰۳، ۱۱۵، ۱۳۳؛ یونس/ ۶۵، ۶۸، ۱۰۷؛ یوسف/ ۱۸؛ رعد/ ۹، ۱۶؛ ابراهیم/ ۴؛ نحل/ ۶۰؛ کهف/ ۵۸؛ انبیاء/ ۴، ۱۱۲؛ فرقان/ ۵۹؛ نمل/ ۷۸؛ عنکبوت/ ۵، ۴۲، ۶۰؛ روم/ ۵، ۲۷، ۵۴؛ لقمان/ ۹؛ سجده/ ۶؛ سبأ/ ۱، ۲، ۲۳، ۲۶، ۲۷؛ فاطر/ ۲؛ یس/ ۸۱؛ زمر/ ۴، ۵؛ غافر/ ۶۵؛ شوری/ ۴، ۱۱، ۱۹، ۲۸؛ زحرف/ ۸۴؛ جاثیه/ ۳۷؛ احقاف/ ۸؛ محمد/ ۳۸؛ حدید/ ۱، ۳؛ حشر/ ۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴ (دو مورد)؛ صف/ ۱؛ جمعه/ ۳؛ تغابن/ ۱۸؛ تحریم/ ۲؛ ملک/ ۲، ۱۴، ۲۹؛ بروج/ ۱۴؛ علق/ ۳؛ اخلاص/ ۲.

*دسته دوم: آدرس آیات مشتمل بر ضمیر فصل + اسماء حسنی معرفه

مائده/ ۷۶؛ شوری/ ۹؛ فاطر/ ۱۵.

*دسته سوم: آدرس آیات مشتمل بر حروف مشبیه بالفعل + ضمیر فصل + اسماء حسنی معرفه

بقره/ ۳۲، ۳۷، ۵۴، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹؛ آل عمران/ ۸، ۳۵؛ انفال/ ۶۱؛ توبه/ ۱۰۴، ۱۱۸؛ هود/ ۶۶؛ یوسف/ ۳۴، ۸۳، ۹۸، ۱۰۰؛ حجر/ ۴۹، ۸۶، ۸۹؛ اسراء/ ۱؛ حج/ ۶، ۶۲ (دو مورد)؛ شعراء/ ۲۲۰؛ قصص/ ۱۶؛ عنکبوت/ ۲۶؛ لقمان/ ۲۶، ۳۰ (دو مورد)؛ ص/ ۳۵؛ زمر/ ۵۳؛ غافر/ ۸، ۲۰، ۵۶؛ فصلت/ ۳۶؛ شوری/ ۵؛ دخان/ ۶، ۴۲؛ ذاریات/ ۳۰، ۵۸؛ طور/ ۲۸؛ حدید/ ۲۴؛ ممتحنه/ ۵، ۶.

*دسته چهارم: حروف مشبیه بالفعل + لام تأکید + ضمیر فصل + اسماء حسنی معرفه

آل عمران/ ۶۲؛ حج/ ۶۴؛ شعراء/ ۹، ۶۸، ۱۰۴، ۱۲۲، ۱۴۰، ۱۵۹، ۱۷۵، ۱۹۱.

(۲) این روش در برخی کتب بلاغت فارسی به این شکل ذکر شده است: آوردن ضمیر با فعل رابطه «استن»:

منم، تویی، اوست، ماییم، شماید، ایشانند (همایی، ۱۳۷۳: ۱۲۶؛ شمیسا، ۱۳۹۴: ۱۳۲).

۹- منابع

﴿قرآن کریم﴾

- ۱- آق‌اولی، حسام‌العلماء، *ذُررُ الأدب*، ج ۳، قم: هجرت، (۱۳۷۳ش).
- ۲- ابن‌انباری، عبدالرحمن‌بن‌محمد، *البيان في غريب اعراب القرآن*، قم: مؤسسة دارالهجرة، (۱۳۶۲ش).
- ۳- ابن‌حموش، مکی، *مشکل اعراب القرآن*، مصحح: یاسین محمدسواس، ط ۳، بیروت: دارالیمامة، (۱۴۲۳ق).
- ۴- ابن‌عاشور، محمدطاهر، *تفسیر التحریر والتنویر*، ط ۱، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی، (۱۴۲۰ق).
- ۵- ابن‌منظور، محمدبن‌مکرم، *لسان‌العرب*، قاهرة: دارالمعارف، (بی‌تا).
- ۶- ابن‌هشام، عبدالله‌بن‌یوسف، *معنی اللیب عن کتب الاعراب*، تحقیق محمدمحی‌الدین عبدالحمید، بیروت: المکتبة‌العصریة، (۱۴۲۵ق).
- ۷- ابوحیان‌الاندلسی، محمدبن‌یوسف، *البحر المحیط فی التفسیر*، محقق: صدقی محمدجمیل، ط ۱، بیروت: دارالفکر، (۱۴۲۰ق).
- ۸- احمدی‌گیوی، حسن، انوری، حسن، *دستور زبان فارسی ۱*، ج ۲۷، تهران: فاطمی، (۱۳۸۴ش).
- ۹- بهرام‌پور، ابوالفضل، *ترجمه قرآن کریم*، تهران: امیدوار، (۱۳۸۶ش).
- ۱۰- تفتازانی، سعدالدین، *مختصر المعانی*، ط ۸، تهران: دارالفکر (۱۳۸۳ش).
- ۱۱- جرجانی، عبدالقاهر، *دلائل الإعجاز فی علم المعانی*، بیروت: دارالکتب العلمیة، (بی‌تا).
- ۱۲- جواهری، محمدحسن، *روش‌شناسی ترجمه قرآن کریم*، ج ۴، تهران: پژوهشگاه حوزه و اندیشه، (۱۳۹۵ش).
- ۱۳- حدادعادل، غلامعلی، *ترجمه قرآن کریم*، مشهد: انتشارات آستان‌قدس رضوی، (۱۳۹۰ش).
- ۱۴- خرمشاهی، بهاء‌الدین، *ترجمه قرآن کریم*، تهران: دوستان، (۱۳۸۴ش).
- ۱۵- درویش، محیی‌الدین، *اعراب القرآن و بیانه*، ط ۳، حمص (سوریة): دارالإرشاد، (۱۴۱۲ق).
- ۱۶- رجایی، محمدخلیل، *معالم‌البلاغه*، ج ۲، شیراز: انتشارات دانشگاه پهلوی، (۱۳۵۳ش).
- ۱۷- زمانی، کریم، *ترجمه روشنگر قرآن کریم*، تهران: نامک، (۱۳۹۱ش).
- ۱۸- زمخشری، محمودبن‌عمر، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل وعیون‌الأقوال فی وجوه التأویل*، بتصحیح مصطفی‌حسین احمد، ط ۳، بیروت: دارالکتب العربی، (۱۴۰۷ق).

۱۹- سبکی، علی بن عبدالکافی، عروس الأفراح فی شرح تلخیص المفتاح، بیروت: المكتبة العصرية، (بی تا).

۲۰- سعدی، عبدالرحمن بن ناصر، قواعد الحسان لتفسیر القرآن، ط ۱، ریاض: مكتبة الرشد للنشر و التوزیع، (۱۴۲۰ق).

۲۱- سکاکی، یوسف بن ابی بکر، مفتاح العلوم، ط ۲، بیروت: دارالکتب العلمیة، (۱۴۰۷ق).

۲۲- سیدطنطاوی، محمد، معجم إعراب الفاظ القرآن الکریم، ط ۲، قم: دارالفقه للطباعة والنشر، (۱۳۸۴ش).

۲۳- شریعت، محمدجواد، دستور زبان فارسی، چ ۷، تهران: اساطیر، (۱۳۷۵ش).

۲۴- شریف لاهیجی، محمد بن علی، تفسیر شریف لاهیجی، تصحیح جلال الدین محدث، تهران: دفتر نشر داد، (۱۳۷۳ش).

۲۵- شمیسا، سیروس، معانی، چ ۴، تهران: میترا، (۱۳۹۴ش).

۲۶- صافی، محمود، الجدول فی إعراب القرآن و صرفه و بیانه، ط ۴، دمشق: دار الرشید، (۱۴۱۸ق).

۲۷- صالح سامرائی، فاضل، لمسات بیانیة فی نصوص من التنزیل، ط ۳، عمان: دارعمار، (۲۰۰۳م).

۲۸- _____، معانی النحو، بیروت: دار احیاء التراث العربی (۱۴۲۸ق).

۲۹- صفارزاده، طاهره، ترجمه قرآن، چ ۲، تهران: مؤسسه فرهنگی جهان رایانه کوثر، (۱۳۸۰ش).

۳۰- طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی، چ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، (۱۳۷۴ش).

۳۱- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چ ۳، تهران: ناصر خسرو، (۱۳۷۲ش).

۳۲- طیبیان، سید حمید، برابرهایی دستوری در عربی و فارسی، چ ۱، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، (۱۳۸۷ش).

۳۳- _____، برابرهایی علوم بلاغت در فارسی و عربی، چ ۳، تهران: امیر کبیر، (۱۳۹۸ش).

۳۴- عبدالفتاح فیود، بسیونی، علم المعانی، القاهرة: مؤسسة المختار للنشر والتوزیع، (۲۰۱۵م).

۳۵- عکبری، عبدالله بن حسین، التبیان فی إعراب القرآن، ط ۱، ریاض: بیت الأفكار الدولية (۱۴۱۹ق).

۳۶- علوان، عبدالله بن ناصح، إعراب القرآن الکریم، ط ۱، طنطا: دار الصحابة للتراث، (۱۴۲۷م).

۳۷- غلامحسین زاده، غلامحسین، راهنمای ویرایش، چ ۲، تهران: سمت، (۱۳۸۴).

۳۸- فخررازی، محمدبن عمر، *نهایةالایجاز*، تحقیق نصرالله حاجی مفتی اوغلی، بیروت: دارصادر، (۲۰۰۴م).

۳۹- _____، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، ط ۳، بیروت: داراحیاء التراث العربی، (۱۴۲۰ق).

۴۰- فرشیدورد، خسرو، *درباره ادبیات و نقد ادبی*، چ ۴، تهران: امیرکبیر، (۱۳۸۲ش).

۴۱- قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، چ ۱، تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، (۱۳۸۸ش).

۴۲- کرباسی، محمدجعفر، *اعراب القرآن*، ط ۱، بیروت: دار ومکتبة الهلال (۱۴۲۲ق).

۴۳- کزازی، میرجلال‌الدین، *معانی؛ زیباشناسی سخن پارسی*، چ ۶، تهران: کتاب ماه، (۱۳۸۵ش).

۴۴- مجتوبی، سیدجلال‌الدین، *ترجمه قرآن حکیم*، تهران: انتشارات حکمت، (۱۳۷۲).

۴۵- محسنی، علی‌اکبر، «مضامین اسلوب قصر در نهج البلاغه»، *فصلنامه لسان مبین*، س ۳، ش ۶، ۱۶۸-۱۹۱، (۱۳۹۰ش).

۴۶- معروف، یحیی، *فن ترجمه*، چ ۵، تهران: سمت، (۱۳۸۴ش).

۴۷- مکارم‌شیرازی، ناصر، *ترجمه قرآن کریم*، مشهد: آستان قدس رضوی، (۱۳۹۰ش).

۴۸- نحاس، احمدبن محمد، *اعراب القرآن*، ط ۱، بیروت: دارالکتب العلمیة، (۱۴۲۱ق).

۴۹- وحیدیان‌کامیار، تقی، *دستور زبان فارسی ۱*، چ ۳، تهران: سمت، (۱۳۸۱ش).

۵۰- همایی، جلال‌الدین، *معانی و بیان*، به کوشش ماهدخت بانو همایی، چ ۲، تهران: هما، (۱۳۷۳ش).

۵۱- نرم‌فزار *جامع‌التفاسیر نور*، نسخه ۳، قم: مرکز کامپیوتری علوم اسلامی.